

One of the new topics that has been considered by researchers in the field of ethics is moral intelligence. According to Borba's view, moral intelligence is the ability to distinguish right from wrong; That is, having strong moral beliefs and acting according to them in such a way that the person behaves correctly and respectfully. This study was conducted with the aim of explaining moral intelligence and its components based on narrations. Is. The data included narrations of hadith books ranked A and B, which were selected based on purposeful sampling of narrations to explain moral intelligence and its components. For this purpose, the selected narrations were examined by content analysis method using open, axial and selective coding. The results showed that moral intelligence has four basic dimensions, which are: spiritual dimension, which includes serving God and the Hereafter; Social dimension that includes kindness, honesty, justice and benevolence; The cognitive dimension, which includes the knowledge of God, science, thought, and contemplation, and the spiritual-social-individual dimension, which includes self-control.

**Keywords:** Ethics, Intelligence, Moral Intelligence, Components of Moral Intelligence, Traditions

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.328548.3073>

### تحلیل هوش اخلاقی و مولفه‌های آن بر اساس روایات

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

جعفر نامور<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

مسعود<sup>۲</sup>

چکیده

یکی از موضوعات جدید که در حوزه اخلاق مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است هوش اخلاقی است، بر اساس دیدگاه بوربا، هوش اخلاقی توان تشخیص درست از نادرست است؛ یعنی داشتن اعتقادات اخلاقی محکم و عمل کردن بر طبق آنها به گونه‌ای که شخص رفتاری درست و محترمانه داشته باشد این پژوهش با هدف تبیین هوش اخلاقی و مولفه‌های آن بر اساس روایات انجام شد، پژوهش حاضر با روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. داده‌ها شامل روایات کتب حدیثی رتبه الف و ب بود که بر اساس نمونه‌گیری هدفمند روایت‌هایی جهت تبیین هوش اخلاقی و مولفه‌های آن انتخاب شدند. به این منظور روایات منتخب با روش تحلیل محتوا با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که هوش اخلاقی دارای چهار بعد اساسی می‌باشد که عبارتند از: بعد معنوی که شامل بندگی خدا و آخرت‌گزینی می‌باشد؛ بعد اجتماعی که شامل مهربانی، صداقت، عدالت و احسان می‌باشد؛ بعد شناختی که شامل شناخت خدا، علم و تفکر و تدبیر می‌باشد و بعد معنوی - اجتماعی - فردی که شامل خویش‌نظمی داری می‌باشد.

کلید واژه‌ها: اخلاق، هوش، هوش اخلاقی، مولفه‌های هوش اخلاقی، روایات

دانشجوی دکترای مدرسی معارف اسلامی گرایش اخلاق دانشگاه معارف اسلامی قم (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>

آذربایجان استاد تمام پژوهشگاه حوزه و دانشگاه گروه روان شناسی<sup>۲</sup>

## ۱. مقدمه

آدمی از دیرباز به دنبال شناخت جنبه‌های ناشناخته وجود خود بوده است به طوری که در این راستا جنبه‌های متعدد و متنوعی اعم از زیستی، روانی، اجتماعی، معنوی و اخلاقی را در وجود خود مورد تفحص قرار داده است. در این میان یکی از مسائلی که در قلمرو روان‌شناختی توجه متفکران و اندیشمندان را به خود معطوف نموده ماهیت هوش آدمی است (حسین‌چاری و یوسفی، ۱۳۸۹، ص ۷۷) بحث اخلاق نیز همواره جایگاه ممتازی در علوم انسانی داشته است و این بدان جهت است که اخلاق اهمیت زیادی در زندگی فردی، اجتماعی و معنوی دارد. در زمینه ارتباط هوش و اخلاق نیز اگر هوش را ظرفیت سازگاری با موقعیت جدید قلمداد کنیم، اخلاق ظرفیت سازماندهی به آن موقعیت خواهد بود (علی‌اکبری و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۳۴)

یکی از موضوعات جدید که در حوزه اخلاق مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است هوش اخلاقی است، بر اساس دیدگاه بوربا، هوش اخلاقی توان تشخیص درست از نادرست است؛ یعنی داشتن اعتقادات اخلاقی محکم و عمل کردن بر طبق آنها به گونه‌ای که شخص رفتاری درست و محترمانه داشته باشد (بوربا، ۱۳۹۰، ص ۱۷). بررسی تحقیقات صورت گرفته مشخص شد که تحقیقات صورت گرفته در این حوزه را بیشتر روان‌شناسان غربی انجام دادند و پژوهش‌های کمی در ایران انجام گرفت که اغلب آنها هم پژوهش‌های تطبیقی یا ترجمه بوده است، بنابراین با توجه به اهمیت مساله و همخوانی این موضوع با تعالیم انسان‌ساز اسلام در حوزه اخلاقیات، در این پژوهش ضمن تبیین هوش اخلاقی بر اساس روایات رتبه الف و ب، مولفه‌های هوش اخلاقی نیز معرفی می‌شود.

## ۲. بیان مساله

از آنجا که در روایات اسلامی نکته‌های اخلاقی بسیار مهمی مطرح شده است که پرداختن به آنها و انجام پژوهش در این زمینه می‌تواند نتایج مهمی داشته باشد و راهکارهای مفیدی در جهت هدایت رفتارهای اخلاقی ارائه دهد بنابراین با شناخت، آموزش و عمل به این ارزش‌های اخلاقی می‌توان بسیاری از مشکلات اخلاقی را اصلاح کرد. چرا که افراد قادر به یادگیری و تغییر اخلاقیات هستند. پس پرداختن به هوش اخلاقی به عنوان یکی از اصول اخلاقی مطرح شده در روایات اهمیت دارد؛ از طرف دیگر هوش اخلاقی مانند یک راهنما برای رفتار انسان عمل می‌کند و او را یاری می‌کند که اعمال هوشمندانه و مفیدی داشته باشد (بلینگ، ۲۰۱۲: ۳۵) و از طرفی هوش اخلاقی و مولفه‌های آن بر اساس روایات اسلامی توسط نظریه‌پردازان مورد بررسی قرار نگرفته است، و بیشتر بررسی‌ها در این زمینه توسط روان‌شناسان غربی مانند بوربا صورت گرفته است؛ که در پیش‌فرض‌ها و مبانی، تفاوت زیادی با روایات اسلامی دارند. بنابراین تبیین هوش اخلاقی و ارائه مولفه‌های آن می‌تواند گام مهمی در این زمینه محسوب شود.

## پیشینه تحقیق ۳.

از مهم‌ترین انواع هوش که اخیراً در روانشناسی مطرح بوده و در ایران نیز چندان بدان پرداخته نشده است هوش اخلاقی است. هوش اخلاقی که به آن هوش قضاوت اخلاقی و هوش استدلال اخلاقی نیز می‌گویند در واقع بیشتر توسط لورنس کلبِرگ (۱۹۴۸) و ژان پیازه (۱۹۳۲) مورد مطالعه قرار گرفت (میردریکوندی، ۱۳۸۹، ص ۶۲). بوربا، لَنیک و کیل از جمله محققانی هستند که به طور ویژه به این هوش توجه کرده‌اند و حتی این اصطلاح بیشتر پس از تلاش آنها پُررنگ شده است. در این بین، بوربا هوش اخلاقی را در کودکان مورد مطالعه قرار داده است و لَنیک و کیل هوش اخلاقی را در سازمان بررسی کرده است.

پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

الف) برخی از پژوهشگران به خود مفهوم و ماهیت هوش اخلاقی پرداخته‌اند که عبارتند از:

بوربا در سال ۲۰۰۵ با انتشار کتاب (ساختمان هوش اخلاقی) به هفت فضیلت اخلاقی جهت تعلیم این هوش و مولفه‌های آن به کودکان پرداخته است.

محمدیان و دیگران (۱۳۹۴) به بررسی هوش اخلاقی، ماهیت و ضرورت آن پرداختند. در این مقاله مروری ضمن معرفی هوش اخلاقی و اهمیت آن در زندگی روزمره، ابعاد آن به بحث گذاشته شده است. مؤلفه‌های هوش اخلاقی شامل درست‌کاری، مهربانی، مسؤولیت‌پذیری، بخشش، خدمت، احترام، قدرشناسی، آرامش و صلح است. مطالعه پیشینه نشان می‌دهد که پرداختن به مؤلفه‌های هوش اخلاقی در سطوح مختلف زندگی فردی و اجتماعی ضرورتی انکارناپذیر است و کیفیت ابعاد هوش اخلاقی می‌تواند به عنوان سازه اساسی و تأثیرگذار در تقویت جامعه سالم و اخلاقی مدنظر واقع شود.

ارشاد حسینی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد به هوش اخلاقی و ساخت آزمون اولیه‌ی آن بر اساس منابع اسلامی پرداخته است، و معیارهایی برای سنجش هوش اخلاقی بر اساس منابع اسلامی ارائه کرده است. گروه خاصی مد نظر پژوهشگر نبوده و اهتمام پژوهشگر بر ارائه الگوی دینی برای سنجش هوش اخلاقی بوده است.

ب) برخی از پژوهشگران تأثیر هوش اخلاقی را بر روی تعدادی متغیر، بررسی کرده‌اند که عبارتند از:

پورجمشیدی و بهشتی‌راد (۱۳۹۴) به بررسی تأثیر هوش اخلاقی و سلامت‌روان بر شادکامی دانشجویان پرداختند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در صورت برنامه‌ریزی پیرامون هوش اخلاقی و سلامت‌روان دانشجویان، می‌توان میزان شادکامی در این گروه را افزایش داد.

حاجلو و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی ارتباط هوش اخلاقی و هوش اجتماعی با نگرش پرستاران نسبت به آموزش بیماران پرداختند. بین دیدگاه پرستاران نسبت به آموزش بیماران با مولفه هوش اجتماعی و هوش اخلاقی رابطه معناداری وجود دارد.

حدادی و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی رابطه بین هوش اخلاقی و رویکرد زندگی با اثربخشی معلمان زن پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که بین هوش اخلاقی و جهت‌گیری زندگی و اثربخشی معلمان ارتباط معناداری وجود دارد. علاوه بر این، بین هوش اخلاقی و هر ابعادی اثربخشی همبستگی معنادار و مستقیم وجود دارد.

کیم و همکاران (۲۰۱۵) به مطالعه‌ای درباره هوش اخلاقی و تقلب پرداختند. این پژوهش با هدف تحلیل هوش اخلاقی و تقلب، به منظور ارزیابی توانایی اخلاقی دانشجویان مقطع متوسطه انجام شد. هوش اخلاقی و قصد تقلب، همبستگی مثبتی با یکدیگر داشتند.

محمودی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی همبستگی هوش اخلاقی و نوع دوستی با نگرش پرستاران نسبت به رعایت حقوق بیماران پرداختند. هدف این مطالعه بررسی رابطه هوش اخلاقی و نوع دوستی با نگرش پرستاران نسبت به رعایت حقوق بیماران بود. نتایج نشان داد بین متغیر نوع دوستی، مؤلفه درست‌کاری، مؤلفه مسئولیت‌پذیری، مؤلفه بخشش و مؤلفه دلسوزی، با نگرش پرستاران نسبت به رعایت حقوق بیماران رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

اندام و روح‌پرور (۱۳۹۴) به بررسی هوش اخلاقی مدیران و اثربخشی سازمان‌های داوطلبی در ورزش پرداختند. نتایج نشان داد که بین هوش اخلاقی مدیران با اثربخشی هیأت‌های ورزشی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، بین میانگین نمره‌های هوش اخلاقی مدیران و متغیرهای جمعیت شناختی تفاوت معناداری مشاهده نشد. با توجه به رابطه معنی‌دار مثبت بین هوش اخلاقی و اثربخشی سازمان‌های داوطلبی، بر ضرورت توجه به هوش اخلاقی مدیران به منظور اثربخشی بهتر سازمان تأکید نموده است.

(ج) از آنجا که هوش اخلاقی مشتمل بر مؤلفه خویشتنداری است می‌توان به پژوهش‌هایی نیز اشاره کرد که با این مؤلفه در ارتباط است:

رفیعی‌هنر (۱۳۹۰) در پایان نامه کارشناسی ارشد به ساخت مقیاس خودمهارگری بر اساس منابع اسلامی پرداخته است، در این پژوهش محقق با استفاده از قرآن و روایات اسلامی مؤلفه‌های خودمهارگری را بررسی کرده است و معیاری مطرح ساخته است که خودمهارگری فرد بزرگسال را بسنجد.

سرمدی‌نیا (۱۳۹۶) در پایان نامه کارشناسی ارشد به تحول خودمهارگری کودکان شش تا ۱۲ سال از دیدگاه روان‌شناسان و راههای تقویت آن براساس منابع اسلامی پرداخته است و به این نتیجه رسیده که در منابع اسلامی نه تنها به موضوع خودمهارگری کودکان توجه ویژه شده و راهکارهایی برای افزایش آن توصیه شده است، بلکه این راهکارها گسترده‌تر از راهکارهای روان‌شناسان است.

با توجه به مطالب مذکور تفاوت این پژوهش با پژوهش‌های انجام گرفته کاملاً روشن هست و در این پژوهش هوش اخلاقی بر اساس روایت تبیین شده که در هیچکدام از پژوهش‌های صورت گرفته این موضوع بررسی نشده است و همچنین مؤلفه‌های هوش اخلاقی بر اساس همان تبیین مورد بررسی قرار گرفته است.

#### ۴. اهمیت و ضرورت تحقیق

هوش اخلاقی به معنای قدرت تمییز درست از نادرست یا خوب از بد است؛ یعنی انسان اعتقادات اخلاقی محکم داشته باشد و بر طبق همان عمل کند تا شخص رفتار درست داشته باشد علاوه بر موارد مذکور برخی ویژگی‌های دیگر را هم شامل می‌شود که از جمله آنها توانمندی شخص برای تشخیص درد و رنج دیگران و مهار خشونت و وسوسه در خود و همچنین به تاخیر انداختن

کامجویی، گوش دادن بی طرفانه و همه جانبه پیش از داوری کردن، پذیرش تفاوت‌ها، نپذیرفتن گزینه‌های غیر اخلاقی، همدل بودن، مبارزه با بی‌عدالتی، رفتار محترمانه و ناشی از درک دیگران اشاره کرد. این ویژگی‌ها به فرد کمک می‌کند که انسان خوب و شایسته‌ای شود. این ویژگی‌ها زیر بنای یک شخصیت باثبات می‌باشد.

با توجه به مطالب مذکور و همچنین گسترش بی‌اخلاقی‌ها در دنیای امروز و ضرورت حل این معضلات و از سوی همخوانی ماهیت این مفهوم با تعالیم اسلامی، به نظر می‌رسد که پرداختن به این موضوع به عنوان یک ضرورت می‌باشد، بر این اساس و با تبیین هوش اخلاقی و مولفه‌های آن پژوهشگر بر آن شد که تا این موضوع را بر اساس روایات بررسی کند تا قدمی در این مسیر برداشته شود.

## ۵. مفهوم اخلاق

«اخلاق» در اصل، واژه‌ای عربی است که مفرد آن «خُلُق» و «خُلُق» می‌باشد. در لغت به معنای «سرشت و سجیه» به کار رفته است؛ اعم از اینکه ویژگی نیکو و پسندیده باشد مانند جوان‌مردی و دلیری، یا ناپسند مانند حسادت. اخلاق را در اصطلاح اینگونه تعریف کرده‌اند؛ صفات پایدار در نفس انسان است که باعث می‌شود افعال متناسب با آن صفات، به سهولت و بدون تأمل از انسان صادر شود (ابن مسکویه، ۱۳۷۱، ص ۶)؛ (نراقی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۵۵)

۶. تاریخچه مطالعه هوش در روان‌شناسی

بنا به باور اسلاوین (۲۰۰۶)، مفهوم هوش از زمان پیش از یونان باستان مورد بحث بوده است، اما سنجش‌های معاصر از هوش را می‌توان در یکی از دو سنت بسیار متفاوت تاریخی ردیابی کرد. یک سنت بر سطوح پایین‌تر توانایی‌های روانی جسمانی نظیر تیز حسی، قدرت جسمانی و هماهنگی حرکتی و دیگری بر سطوح بالاتر یعنی توانایی قضاوت و داوری متمرکز می‌باشد (تقی‌زاده و رضایی، ۱۳۹۲، ص ۹-۶)

در مقاله‌ای معتبر که در سال ۱۹۰۴ منتشر شد، «چارلز اسپیرمن»، روان‌شناس بریتانیایی، نخستین کوشش برای تحقیق در ساختمان هوش را با روش‌های تجربی و کمی تشریح کرد. پیدایش مقیاس‌های هوشی بینه سیمون، در سال ۱۹۰۵ و به دنبال آن تهیه و استاندارد شدن مقیاس استنفورد - بینه، در سال ۱۹۱۶ در آمریکا، از فعالیت‌های اولیه به منظور تهیه ابزار اندازه‌گیری هوش بوده است. البته در سال ۱۸۳۸ «اسکیرویل» به منظور تهیه ضوابطی برای تشخیص و طبقه‌بندی افراد عقب‌مانده ذهنی، روش‌های مختلفی را آزمود و به این نتیجه رسید که مهارت کلامی فرد بهترین توانش ذهنی اوست. جالب آن که بعدها نیز مهارت کلامی از عوامل اساسی توانش ذهنی شناخته شد و امروز نیز محتوای اکثر تست‌های هوش را مواد کلامی تشکیل می‌دهد.

آزمون سیمون و بینه مجموعه‌ای از مسائل است که از کودک انتظار می‌رود بدون استفاده از یادگیری‌های قبلی یا حافظه طوطی‌وار، و با یاری گرفتن از نیروی داوری و استدلال خویش، از پس حل آنها برآید، گرچه در این باره، که آیا می‌توان از کودک، یا هر فردی، انتظار داشت که مستقل از پیشینه اطلاعاتی خویش به پرسش‌هایی پاسخ صحیح بدهد جای پرسش و تأمل است. در حال، بینه دریافت که نسبت سن عقلی کودک به سن حقیقی‌اش تقریباً در تمام مراحل رشد او ثابت است. برای مثال، کودکی که در چهار

سالگی سن عقلی او دو سال است، به احتمال زیاد در هشت سالگی سن عقلی او چهار سال، نشان می‌دهد، یعنی سن عقلی این کودک در برابر سن عقلی کودک "بهنجار" همواره نسبت یک به دو خواهد بود (همان، ص ۷)

#### ۶. مفهوم هوش

یکی از مهم‌ترین مباحث در روان‌شناسی و در عین حال یکی از پیچیده‌ترین مفاهیم برای تعریف و تبیین می‌باشد در سال ۱۹۲۱ سردبیر مجله روان‌شناسی تعریف هوش را از چهارده روان‌شناس مشهور سوال کرد پاسخ‌هایی که دادند خیلی متفاوت بود؛ اما در دو موضوع باهم هم نظر بودند. اول اینکه هوش شامل ظرفیت یادگیری از تجربه است. دوم، هوش شامل قدرت سازگاری با محیط اطراف است. ۶۵ سال بعد همین سوال روان‌شناسان متخصص در پژوهش هوش مطرح شد. آنها نیز بر اهمیت یاد گرفتن از تجربه و سازگاری با محیط را مطرح ساختند. متخصصان معاصر نیز با شدت بیشتری بر نقش فرهنگ تاکید دارند. آنها نشان داده‌اند آنچه را که در یک فرهنگ نشانه هوشمندی تلقی می‌شود ممکن است در فرهنگ دیگر نشانه حماقت بدانند (استنبرگ، ۱۳۸۷، به نقل از تقی‌زاده و رضایی، ۱۳۹۲، ص ۴)

بنابراین تعریف واحد و یکسانی از هوش به چشم نمی‌خورد، و متخصصان و روان‌شناسان مختلف هر کدام بر اساس دیدگاه و مکتب خود، تعریف متفاوتی از آن ارائه کرده‌اند. در حقیقت می‌توان گفت به شمار محققان و مولفانی که درباره هوش بحث و مطالعه کرده‌اند برای آن تعریف ارائه شده است

#### ۷. عوامل موثر در هوش در روان‌شناسی

یکی از جنجال‌ترین حوزه‌های هوش، میزان تاثیرپذیری هوش از وراثت و محیط است. جدا کردن این تاثیرات کار دشواری است ولی این دشواری باعث نشده روان‌شناسان از این کار صرف‌نظر کنند. پژوهش‌های گسترده‌ای در این زمینه انجام گرفته که نشان می‌دهند هم، محیط و هم وراثت در شکل‌گیری هوش بسیار مهم است. (همان، ص ۸۹)

آرتور جنس (۱۹۶۹) اعتقاد دارد که هوش عمدتاً وراثتی است و محیط و فرهنگ نقش ناچیزی در آن دارند. جنس تحقیقات هوش را که عمدتاً از نوع مقایسه دوقلوهای همسان و ناهمسان بودند مرور کرد. او استدلال می‌کرد که اگر هوش ژنتیکی باشد، پس دوقلوهای همسان باید هوش‌بهرهای مشابهی داشته باشند. هوش‌بهرهای دوقلوهای ناهمسان و خواهر و برادرهای معمولی نیز باید شباهت کمتری داشته باشند چون آنها شباهت ژنتیکی کمتری دارند. نتایج مرور جنس، استدلالش را تایید کرد. (همان).

امروزه اکثر محققان اتفاق نظر دارند که وراثت آن‌قدر که جنس ادعا می‌کرد، هوش را تعیین نمی‌کند (گریگورنکو، ۲۰۰۰). این بدین معناست که اصلاح محیط می‌تواند هوش‌بهر را تا حد قابل توجهی تغییر دهد (کمپل و ریمی، ۱۹۹۳). چه استعداد ژنتیکی همیشه بر توانایی عقلانی اشخاص تاثیر می‌گذارد ولی فرصت‌های محیطی نیز بر توانایی‌های شناختی کودکان و بزرگسالان نیز موثرند (همان، ص ۹۳)

می‌توان گفت که زن‌ها دو حد بالا و پایین هوش یا دامنه توانایی ذهنی را تعیین می‌کنند. تاثیرات محیطی تعیین می‌کنند که هوش‌بهر یک فرد در چه بخشی از این دامنه قرار خواهند گرفت. به عبارت دیگر، زن‌ها نه نوع خاص رفتار، بلکه گستره پاسخ‌های احتمالی فرد را در برابر محیط تعیین می‌کنند. محیط بارور موجب افزایش هوش‌بهر، و محیط محروم موجب کاهش آن می‌شود. فردی که توانایی ارثی برخوردار از هوش متوسط یا برجسته را دارد، در اوضاع محیطی بهنجار، از فرد عقب افتاده ذهنی دامنه واکنش بس گسترده‌تری خواهند داشت. فرض بر این است که فردی با توانایی برجسته، بهترین قابلیت را برای بهره‌گیری از محیط بارور دارد، و در محیط محروم بیشترین کاهش در هوش‌بهر او دیده خواهد شد. نتایج چندین تحقیق حاکی از آن است که بیشترین اثر محیط نامساعد، در کودکانی دیده می‌شود که توانایی‌های بالاتر از متوسط دارند. از جمله اوضاع محیطی که در رشد توانایی‌های ذهنی فرد به عنوان عاملی تعیین‌کننده شمرده می‌شوند، می‌توان به تغذیه، سلامت جسمانی، کیفیت تحریک، جو عاطفی خانواده و نوع پس‌خوراندی که از رفتار حاصل می‌شود اشاره کرد (همان، ص ۹۴).

#### ۸. مبانی هوش اخلاقی بر اساس اندیشه اسلامی

تفاوت نظریه‌ها و دیدگاه‌های روان‌شناختی تا اندازه زیادی به مبانی فلسفی و انسان‌شناختی آنها مربوط می‌شود. از این رو، یک نظریه با توجه به تصویری که از انسان دارد، بر جنبه‌های غریزی رفتار تاکید می‌کند و در حالی که نظریه دیگر، بر نقش عوامل محیطی و اجتماعی تاکید دارد. شاید بتوان گفت تفاوت روان‌شناسی تجربی و روان‌شناسی در قرآن و حدیث تا اندازه‌ای به پیش‌فرض‌ها و مبانی فلسفی و انسان‌شناختی آنها برمی‌گردد.

دانش روان‌شناسی در کشور ما و آنچه در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود، بیشتر حاصل ترجمه و انتقال بی‌کم‌وکاست روان‌شناسی غربی است و بر اساس مبانی و نگرش‌های متفاوت با نگرش‌های فرهنگی و دینی ما شکل گرفته است. بنابراین یکی از اشکالات اساسی روان‌شناسی موجود، مبانی فلسفی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی آن است که هم از لحاظ نظری و هم در کاربرد، به وجود آورنده مشکلات بسیاری است (فرقانی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۳۰). در اینجا مبانی هوش اخلاقی بر اساس آموزه‌های اسلامی بررسی می‌شود.

#### - مبانی معرفت‌شناسی

شناخت و استدلال در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد و آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام موبد این ادعا است. قرآن کریم عقل را از منابع شناخت و تعقل و استدلال را از ابزار آن یاد می‌کند. قرآن در موضوعات متعددی مانند توحید و معاد استدلال آورده است و انسان‌ها را دعوت به تعقل و تفکر کرده است. خداوند در آیه ۱۹ سوره رعد می‌فرماید: «آیا کسی که می‌داند آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده، حق است، همانند کسی است که نابیناست، تنها صاحبان عقل متذکر می‌شوند». همچنین در آیات ۱۰ و ۱۱ سوره ملک می‌فرماید: «آنها می‌گویند: ما اگر گوش شنوا داشتیم یا اندیشه می‌کردیم جز دوزخیان نبودیم، اینجاست که به گناه خود اعتراف می‌کنند، دور باشند دوزخیان از رحمت خدا».

قرآن ابزار شناخت انسان را حواس، عقل و قلب معرفی کرده است؛ هر یک از این ابزار، موجب شناخت خاصی در انسان می‌شود و فقدان هر کدام از اینها، موجب محرومیت از بخشی از شناخت‌ها می‌شود، به عنوان مثال فقدان قوه بینایی باعث محروم شدن

انسان از شناخت‌هایی می‌شود که با چشم حاصل می‌شود، یا فقدان عقل، باعث می‌شود که انسان نتواند زندگی خود را تدبیر کند، تدبیر زندگی، کار حواس نیست، همچنانکه، دیدن اشیا در حیطه، عقل نیست.

در مورد اولین ابزار شناخت که حواس می‌باشد؛ در آیه ۷۸ سوره مومنون آمده است: «اوست خدایی که برای شما گوش و چشم‌ها و دل به وجود آورده است، اندکی از شما سپاسگزارید». همچنین در آیه ۳۶ سوره اسرا آمده است که: «همانا گوش و چشم و دل همگی مسئول هستند».

دومین ابزار شناخت انسان عقل است. که در سایه آن انسان می‌تواند به شناخت‌های فراتر از حس دست پیدا کند،

خداوند در آیه ۲۲ سوره انفال ضمن مذمت افرادی که از عقل استفاده نمی‌کنند می‌فرماید: بدترین جنندگان نزد خدا کرها و لال‌هایی هستند که از عقل خودشان استفاده نمی‌کنند»

سومین ابزار شناخت که در نتیجه تزکیه نفس و سیر و سلوک حاصل می‌شود، دل و قلب است، که کمتر مورد توجه واقع می‌شود. خداوند در آیه ۲۹ سوره انفال می‌فرماید: «اگر تقوا پیشه کنید خداوند برای شما روشن‌بینی قرار خواهد داد».

با توجه به آنچه گذشت، مشخص شد که انسان این توانایی را دارد که در حوزه‌هایی که مورد نیازش هست، شناخت پیدا کند، از جمله مسائلی که انسان برای زندگی معنوی، اجتماعی و فردی نیاز دارد، اخلاق است، پس می‌توان گفت که شناخت مسائل اخلاقی برای انسان امری ممکن است و در کنار ابزار شناخت انسان، قرآن و روایات هم به عنوان دو تا از منابع مهم شناخت، به انسان یاری می‌رساند.

یکی از دلایل مهم بعثت انبیاء (علیهم السلام) تربیت انسانها بیان شده است. اما اگر تغییر اخلاق و دگرگونی اوصاف نفسانی، ممکن و میسر نمی‌بود، انبیاء مبعوث نمی‌شدند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۵، ص ۸۹). نشانه دیگر برای تغییرپذیری خلق آن است که برای هر کسی تکلیف تا لحظه مرگ وجود دارد، در حالی که اگر تغییر عادت، محال باشد، چنین تکلیفی، «تکلیف به محال» است و تکلیف به محال هم ممکن نیست از حکیم مطلق صادر شود. پس تکلیف دائمی در تمام ادوار زندگی نشانه امکان تغییر اخلاق، است و نباید گفت اگر کسی با برخی مسائل اخلاقی عادت کرده باشد، تغییر آن محال است (همان، ص ۹۰). تغییرپذیری اخلاق و به تبع آن رشدپذیری اخلاق در انسان از جمله مباحثی است که نه تنها آیات و روایات آن را امری ممکن می‌داند بلکه انسان را به آن ترغیب و تشویق می‌کند.

با توجه به مطالب فوق می‌توان نتیجه گرفت که براساس آموزه‌های اسلامی انسان‌ها هم از توانایی شناختی برخوردار هستند و هم قادر هستند این توانایی را در حوزه‌های متعددی، از جمله در مسائل اخلاقی اجرایی کنند.

- مبانی هستی‌شناسی

براساس عقل و دین، در هستی واقعیت‌هایی هست که انسان‌ها در سایه خردورزی می‌توانند نسبت به آنها آگاه شوند، عقل، وجود خالق را به عنوان ضرورت اثبات می‌کند، ضرورت معاد و نبوت هم با عقل، قابل اثبات است، علاوه بر مسائل بنیادی و اعتقادی، عقل انسان قدرت درک، فضایل اصلی را داراست، خوبی عدالت و بدی ظلم، چیزی نیست که انسانها از وحی یاد گرفته باشند، بلکه وحی، این حکم عقل را تایید می‌کند و به جزئیات آن می‌پردازد، البته با توجه به محدودیت دامنه عقل، عقل در کشف همه مسائل اخلاقی و اعتقادی، کارایی لازم را ندارد.

در آموزه‌های اسلامی ایمان و توحید از اصول پایه در دین‌مداری و اخلاق‌ورزی است و بخش مهمی از اخلاق به رابطه انسان با خدا می‌پردازد و آن بخشی از اخلاق که احکام اخلاقی را در مورد اخلاق فردی و اجتماعی مطرح می‌سازد، برای داشتن ارزش اخلاقی نیازمند حسن فاعلی است تا رفتار خوب انسان با نیت صحیح ارزش پیدا کند.

نظام اخلاقی اسلام مبتنی بر نوعی جهان‌بینی است که وجود خداوند را مبدا و آفریننده موجودات و انسان را موجودی وابسته و نیازمند به او معرفی می‌کند. انسان در این بینش نیازمند محض است. طبیعی است این نظام برای آنکه سیرش مبتنی بر حقایق و هماهنگ با واقعیت‌ها و برکنار از اوهام و تخیلات باشد، ناگزیر است رابطه عبودیت و ربوبیت را مورد توجه قرار دهد و بر این اصل برنامه‌ریزی کند (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۰، ص ۵۴)

در دیدگاه قرآن کریم، محوری‌ترین موجود در نظام هستی، خدای متعال است، به طوری که فرض عدم این موجود، مستلزم عدم و نیستی همه نظام هستی است. قرآن سراسر هستی را «کلمه‌الله» می‌داند. و در آیه ۱۰۹ سوره کهف آمده است؛ خداوند به رسول خدا (ص) می‌فرماید: «بگو اگر دریا مرکب شود برای نوشتن «کلمات» پروردگار من، پیش از آنکه کلمات الهی به پایان رسد، دریا خشک و تمام خواهد شد». به سبب همین محوریت است که در قرآن کریم، شاید هیچ واژه‌ای به اندازه واژه «الله» به کار نرفته است. با قطع نظر از واژه‌های «رب»، «اله» و نیز ضمیرهایی که در قرآن به خدای متعال بر می‌گردد، لفظ «الله» ۱۷۷۲ بار در قرآن ذکر شده است. لذا می‌توان گفت که محور همه رفتارهای انسان، باید خدا باشد. و بر این اساس، می‌توان گفت که هوش اخلاقی اسلامی باید بر اساس توحیدمحوری بنا شود؛ نه بر اساس انسان‌محوری، آنطور که در مکاتب دیگر قائل هستند.

- مبانی انسان‌شناختی

دگرگون کردن و متحول ساختن آدمی، بدون داشتن تصویر روشن و واضح از وی به دست نمی‌آید؛ لذا در نظام تربیتی، شناخت انسان سنگ‌بنای می‌باشد. با توجه به اینکه تبیین و تقویت هوش اخلاقی در جهت تامین مصالح انسان مطرح می‌شود و نظریه‌پردازان حوزه هوش اخلاقی آن را به عنوان یک ضرورت برای انسان مطرح می‌کنند؛ برای تبیین هوش اخلاقی باید شناخت درستی از انسان داشته باشیم تا بتوانیم نیازهای او را در عرصه همه رفتارها به طور عام و در مورد مسائل اخلاقی به طور خاص تشخیص دهیم و در جهت تقویت آن تلاش کنیم.

پرسش اصلی انسان‌شناسی درباره هویت، چیستی و ویژگی‌های بنیادین اوست. حکمای مسلمان، چند اصل را در انسان‌شناسی مطرح کرده‌اند: نخست این که انسان دارای سه قوه متمایز؛ شهوت، غضب و عقل است. دوم این که این سه قوه از همدیگر تاثیر می‌پذیرند.

سوم این که ملاک انسانیت وی؛ خردورزی، آگاهی و حکمت‌اندوزی است. چهارم این است که سعادت انسان در شکوفایی کامل عقل است.

دین اسلام به دلیل اتصال به وحی می‌تواند نگاه جامعی از انسان ارائه دهد. چند ساحتی بودن انسان و منحصر نبودن آن به بعد مادی حیوانی، یکی از محورهای کلیدی آموزه‌های دینی و بالتبع یکی از مبانی هوش اخلاقی در دین اسلام است. نتیجه اینکه در تبیین هوش اخلاقی و راهکارهای آن باید شناخت صحیحی از همه نیازهای مادی و معنوی انسان داشت و همه ابعاد روحی و مادی انسان و همچنین سعادت دنیایی و اخروی انسان را لحاظ کرد تا در پرتو آن بتوان مولفه‌های جامعی را برای هوش اخلاقی ارائه داد. بر اساس همین مبانی است که مولفه‌ها، و همچنین عامل‌های اثرگذار بر هوش اخلاقی در آموزه‌های اسلامی، تک‌بعدی نیست.

- ارزش‌شناختی

یکی از ویژگی‌های نظام اخلاقی اسلام این است، که نیت را اساس ارزش اخلاقی و منشا خوبی‌ها و بدی‌ها معرفی می‌کند؛ لذا می‌توان گفت که برای اینکه کاری ارزش اخلاقی داشته باشد حسن‌فعلی به تنهایی کافی نیست بلکه همراه آن باید حسن‌فعلی هم داشته باشد زیرا آثار کارهای اخلاقی - یعنی کمال و سعادت انسان- بر حسن فعلی و داشتن نیت صحیح مترتب می‌شود.

از آنجا که انسان در کارهایش می‌تواند انگیزه‌های گوناگونی داشته باشد؛ از دیدگاه اسلام، کاری اخلاقی و ارزشمند است که با نیت صحیح انجام گیرد. بر اساس آموزه‌های اسلامی نیت صحیح مراد از نیت صحیح مراد؛ گاهی قصد انسان، از انجام کارها، رسیدن به پاداش اخرویی یا ایمن ماندن از عذاب جهنم است. ولی گاهی هیچ یک از پاداش یا کیفر، مورد توجه وی نیست و انگیزه‌اش در انجام کار، صرفاً کسب خشنودی خداوند خواهد بود که این حقیقت، برای او مطلوبیت ذاتی دارد چنین حقیقتی است که در اولیای خداوند تحقق می‌یابد و انگیزه کارها و عبادت‌های آنان است.

در هوش اخلاقی، هم باید این اصل رعایت شود، و ارزش داشتن یا نداشتن آن علاوه بر حسن‌فعلی به نیت انسان هم وابسته است.

۹. مفهوم هوش اخلاقی

پژوهشگران در تعریف هوش اخلاقی باهم اختلافات جزئی دارند اما به طور کلی تاکید همه آنها بر این است که هوش اخلاقی به معنای شناخت درست و نادرست و عمل کردن بر طبق همان شناخت است. برپا که از پیشگامان این موضوع محسوب می‌شود و این اصطلاح باسطه ایشان پررنگ شده و وارد مباحث روان‌شناختی شده است هوش اخلاقی را اینگونه تعریف کرده است: هوش اخلاقی به معنای قوه تشخیص درست از نادرست یا خوب از بد است و اینکه شخص با تقویت این بعد از هوش، رفتاری درست از خود نشان دهد (برپا، ۱۳۹۵، ص ۱۵).

۱۰. روش پژوهش

در پژوهش حاضر با روش تحلیل محتوا به تحلیل داده‌ها پرداخته شد. برای تحلیل متن روایات از روش تحلیل محتوای آشکار استفاده شده است. داده‌های موردنظر را از کتب روایی رتبه الف و ب انتخاب شدند رتبه‌بندی کتب حدیثی در کتاب منطق فهم حدیث تالیف طباطبایی آمده است و روش انتخاب روایات از نوع هدفمند بود. با توجه به ملاکی که پژوهشگران هوش اخلاقی مطرح کرده‌اند و در هوش اخلاقی، مولفه‌های را انتخاب کردن که از جایگاه ممتازی در بین فضایل برخوردار باشد؛ برای همین منظور، روایات با دو ویژگی انتخاب شدند؛ اول اینکه فضایل اخلاقی مطرح شده در روایات به مفاهیم ناظر بر هوش نسبت داده شده باشد و دوم اینکه فضایل اخلاقی مطرح شده دارای ویژگی ممتازی باشد و در متن روایت به آن تصریح شده باشد، از این رو روایاتی که با هدف مورد نظر همخوانی داشتند انتخاب شدند؛ بدین منظور، ابتدا چند بار روایات مورد نظر بررسی و بازخوانی شدند و روایاتی که تکرار شده بود، یکی از آنها انتخاب شد و سعی شد از کتب روایی بالا استناد داده شود؛ برای تحلیل و بررسی روایات از روش کدگذاری استفاده شد؛ کدگذاری در سه مرحله انجام شد در مرحله اول که کدگذاری باز بود تمام روایات منتخب در جدول کدگذاری قرار گرفت و مفاهیمی که در ارتباط با هوش اخلاقی بود استخراج گردید، در این مرحله کدهای زیادی پدیدار شدند در مرحله دوم؛ که کدگذاری محوری بود؛ در این مرحله کدهای استخراج شده دسته‌بندی شدند و کدهایی که باهم مرتبط بودند در یک دسته قرار گرفتند و تحت یک یا دو مقوله واقع شدند، مرحله سوم که کدگذاری انتخابی بود عناصر سازنده هوش اخلاقی تحت عنوان مولفه‌های هوش اخلاقی انتخاب شدند.

۱۱. یافته‌ها:

جدول شماره ۱: کدهای اولیه بر اساس روایات منتخب

کدهای اولیه	منبع			ردیف
	صفحه	جلد	کتاب	
تواضع	۱۶	۱	الکافی	۱
حسن خلق	۲۳	۱	الکافی	۲
حسن خلق، حلم، صله ارحام، نیکی به پدر و مادر، رسیدگی به فقراء، همسایگان و یتیمان، اطعام دادن، ترویج سلام دادن، نماز شب	۲۴۰	۲	الکافی	۳
ایمان	۲۶۷	۲	الکافی	۴
تفکر	۵۹۹	۲	الکافی	۵
محبت کردن، دوستی کردن	۶۴۳	۲	الکافی	۶
خوب معامله کردن، برخورد خوب داشتن	۶۴۳	۲	الکافی	۷
بسیار یاد مرگ کردن، آمادگی برای مرگ	۲۵۸	۳	الکافی	۸
هوشمندی درباره آخرت	۵۵۷	۴	الکافی	۹
ایمان	۴۴	۱	من لا یحضره الفقیه	۱۰

۱۱	من لا يحضره الفقيه	۴	۳۸۷	مدارا با مردم
۱۲	من لا يحضره الفقيه	۴	۳۹۵	بسیار به یاد مرگ بودن
۱۳	من لا يحضره الفقيه	۴	۳۹۵	مدارا با مردم
۱۴	نهج البلاغه	-	۱۱۱	تقوا
۱۵	نهج البلاغه		۴۸۰	سکوت
۱۶	نهج البلاغه		۴۸۸	تدبیر
۱۷	التوحيد (للصدوق)	-	۳۷۶	تدبیر
۱۸	الخصال (للصدوق)	۱	۱۵	اضهار محبت، محبت کردن
۱۹	الخصال (للصدوق)	۲	۵۲۵	محاسبه مداوم، تفکر در افریده‌های خدا، مناجات با خدا
۲۰	الخصال (للصدوق)	۲	۶۳۳	حسن عمل
۲۱	كمال الدين و تمام النعمه	۲	۵۷۴	حلم
۲۲	الزهد		۱۴	تقوا
۲۳	العدد القويه		۲۹۲	خودشناسی
۲۴	الامالی (للطوسی)		۵۵۲	زیاد به یاد مرگ بودن، آمادگی برای مرگ
۲۵	الامالی (للطوسی)		۶۱۴	خوش رویی
۲۶	قرب الاسناد		۱۱۹	کسب روزی حلال
۲۷	تحف العقول		۴	مدارا با مردم
۲۸	تحف العقول		۷	مدارا با مردم
۲۹	تحف العقول		۲۸	علم
۳۰	تحف العقول		۴۲	مدارا با مردم در غیر ترک حق
۳۱	تحف العقول		۵۰	خوف از خدا، فرمانبردارترین در برابر خدا
۳۲	تحف العقول		۵۴	خوب شناختن خدا، خوب طاعت کردن، صبر زیبا داشتن در برابر کار خدا
۳۳	تحف العقول		۵۷	شنیدن علم، حفظ علم، نشر دادن علم، عمل به علم
۳۴	تحف العقول		۶۸	یاد خدا، تقوا
۳۵	تحف العقول		۳۱۸	ادای حق دیگران، بردباری هنگام خطای دیگران، آنچه برای خود می‌پسندی برای دیگران بپسندی
۳۶	تحف العقول		۳۸۶	تواضع، تفکر، سکوت
۳۷	تحف العقول		۳۸۶	تواضع
۳۸	تحف العقول		۳۸۹	مروت

تحف العقول	۳۹۰		خودداری از آزار رساندن به دیگران
تحف العقول	۳۹۱		دروغ نگفتن
تحف العقول	۳۹۶		اخلاص
تحف العقول	۳۹۷		ادای فرائض
کنز الفوائد	۱۹۹	۱	درنگ و تامل کردن
کنز الفوائد	۱۹۹	۱	ادب
الجعفریات	۱۴۹		دوستی کردن با مردم
الجعفریات	۱۹۹		زیاد به یاد مرگ بودن
الاختصاص	۲۴۴		تواضع برای خدا، داتن یقین نیکو، سکوت جز در خیر
الاختصاص	۲۴۴		عبادت

جدول شماره ۲: کدهای محوری بر اساس داده‌های اولیه

ردیف	دسته بندی کدهای اولیه	کدهای محوری
۱	عبادت، ادای فرائض، اخلاص، یاد خدا، خوب اطاعت کردن، فرمانبردارترین بودن در برابر خدا، مناجات با خدا، ایمان، نماز شب، تواضع برای خدا	بندگی در برابر خدا
۲	یقین نیکو داشتن به خدا، خوب شناختن خدا،	معرفت به خدا
۳	زیاد یاد مرگ کردن، آمادگی برای مرگ، هوشمندی درباره آخرت، خوف از خدا	آخرت‌گزینی
۴	دوستی با مردم، خودداری از آزار رساندن به دیگران، مروت، خوش‌رویی، خوبی کردن به همه، اظهار محبت، خوش‌برخوردی با مردم، خوب معامله کردن با مردم، دوستی و مهربانی، محبت کردن، حسن خلق، سلام دادن، ادب، تواضع	مهربانی
۵	احسان به پدر و مادر، رسیدگی به فقراء، رسیدگی به یتیمان، رسیدگی به همسایگان،	احسان
۶	برباری، صبر، وقار، حلم، تقوا، پایداری نمودن بر کار خدا، کسب روزی حلال	خویشترداری
۷	درنگ و تامل کردن، تفکر، محاسبه مداوم، تفکر در آفریده‌های خدا، تدبیر	تفکر و تدبیر
۸	دروغ نگفتن، سکوت	صداقت
۹	علم، شنیدن علم، حفظ علم، نشر دادن علم، عمل به علم، کسب علم، خوشناسی	علم
۱۰	آنچه برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بی‌پسندی، ادای حق دیگران، مدارا با مردم، مدارا با مردم در غیر ترک حق	انصاف و عدالت

جدول شماره ۳: مولفه‌های هوش اخلاقی

معنوی	بندگی در برابر خدا، آخرت‌گزینی،
اجتماعی	انصاف و عدالت، صداقت، احسان، مهربانی
معنوی - اجتماعی - فردی	خویشترداری
شناختی	تفکر و تدبیر، علم، معرفت به خدا

همان‌طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، هوش اخلاقی بر اساس روایات، شامل ابعاد معنوی، اجتماعی، شناختی و معنوی - شناختی - اجتماعی می‌باشد که بدین شرح است:

بر اساس روایات اسلامی یکی از بعدها هوش اخلاقی معنویت می‌باشد که دو زیر مولفه بندگی در برابر خدا و آخرت‌گزینی را در بر دارد، بعد دیگر، بعد اجتماعی، شامل چهار مولفه (انصاف و عدالت، مهربانی، صداقت و احسان) را شامل می‌شود، همچنین بعد شناختی شامل سه مولفه می‌باشد که عبارتند از: تفکر و تدبیر، علم و شناخت خدا؛ و بعد (معنوی - اجتماعی - فردی).

#### نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل محتوا در پوهش حاضر، مشخص که می‌توان ابعاد هوش اخلاقی را در چهار محور مطرح کرد که عبارتند از: بعد معنوی که مولفه‌های یاد مرگ و آمادگی برای آن، و شناخت خدا و بندگی در برابر او می‌باشد که برخی از روایات را اینجا می‌آوریم: پیامبر خدا (ص) در پاسخ به این سوال که زیرک‌ترین مومنان کیست؟ فرمود: کسی که بیشتر از همه آنان به یاد مرگ باشد و خود را برای آن آماده‌تر سازد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۵۸) در روایتی دیگر کمال عقل در شناخت خدا و اطاعت از او معرفی شده است؛ پیامبر خدا (ص) می‌فرماید: خداوند عقل را به سه جزء تقسیم کرد؛ در هر کس این سه جزء باشد عقلش کامل است و در هر کسی نباشد از عقل بی‌بهره است: نیکو شناختن خدا، نیکو فرمان بردن از خدا و نیکو صبر کردن بر کار خدا (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۵۴). بعد اجتماعی که مولفه‌های مهربانی، احترام، احسان و مدارا را شامل می‌شود این مولفه‌ها در ارتباط با اخلاقیات اجتماعی می‌باشد در اینجا از باب نمونه روایاتی آورده می‌شود: پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: اظهار دوستی نسبت به مردم نیمی از خرد است (ابن اشعث، بی‌تا)، ص ۱۴۹. در حدیثی دیگر آن حضرت می‌فرماید: مدارا کردن با مردم نصف ایمان است و نرمی و مهربانی کردن با آنان نصف زندگی است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴). بعد فردی - اجتماعی - معنوی هم یک مولفه در بردارد که عبارت است از خویشترداری؛ این مولفه هم در ارتباط با خود انسان مطرح است مانند مبارزه با هوای نفس و هم در ارتباط با افراد جامعه مطرح است مانند بردباری در برابر خطاهای دیگران و هم در ارتباط با خدا مطرح است مانند زهد و تقوا. در روایات آمده که: زیرک‌ترین و باهوش‌ترین افراد، شخص پرهیزکار می‌باشد (کوفی اهوازی، ۱۴۰۲، ص ۱۴)

این اشعث، محمد بن محمد (بی تا). الجعفریات، تهران، مکتبه النینوی الحدیثه

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۸). التوحید (للسدوق)، تصحیح هاشم حسینی، قم، جامعه مدرسین

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵). کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، الاسلامیه

ابن شعبه حرانی، حسین بن علی (۱۴۰۴). تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین

بربا، میشل (۱۳۹۰). کلیدهای پرورش هوش اخلاقی کودکان، ترجمه فرناز فرود، تهران، انتشارات صابرین

علی اکبری دهکردی، مهناز (۱۳۹۴). روان شناسی رشد (نظریه ها، پژوهش ها و آزمون ها)، تهران، دانشگاه پیام نور.

تقی زاده، محمد احسان؛ رضایی، اکبر (۱۳۹۲). روان شناسی هوش و سنجش آن، تهران، تهران، دانشگاه پیام نور.

حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳). قرب الاسناد (ط - الحدیثه)، تصحیح موسسه آل البيت عليهم السلام، قم، موسسه آل البيت عليهم السلام

رفیعی هنر، حمید (۱۳۹۵). روان شناسی مهار خویشتن با نگرش اسلامی، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴). نهج البلاغه (للسبجی صالح)، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت

طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴). الامالی (للطوسی)، تصحیح موسسه البعثه، قم، دارالثقافه

کراجکی، محمد بن علی (۱۴۱۰). کنزالفوائد، تصحیح عبدالله نعمه، قم، دار الذخائر

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی (ط - الاسلامیه)، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی؛ تهران، دارالکتب الاسلامیه

کوفی اهوازی، حسین بن سعید (۱۴۰۲). الزهد، تصحیح غلامرضا عرفانیان یزدی، قم، المطبعه العلمیه

مسکویه، ابوعلی (۱۳۷۳). تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم، بیدار

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). الاختصاص، تصحیح علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم، المؤتمر لالفیه الشیخ المفید

میردريکوندي، رحيم (۱۳۹۵). عقل ديني و هوش روانشناختي، قم، انتشارات موسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني (ره).

نراقي، ملااحمد (۱۳۸۵). معراج السعاده، قم، هجرت

مقالات و پايان نامه

ارشادحسيني، هادي (۱۳۹۴). «هوش اخلاقي و ساخت آزمون اوليهي آن بر اساس منابع اسلامي»، کارشناسي ارشد، موسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني (ره).

اندام، رضا؛ روح پرور، سهيلا (۱۳۹۴). «بررسی هوش اخلاقي مديران و اثربخشي سازمان‌هاي داوطلبی در ورزش»، فصلنامه مدیریت و توسعه ورزش، دوره ۴ (شماره ۲)، صص ۱۶۴-۱۵۲

پورجمشیدی، مریم؛ بهشتی راد، رقيه (۱۳۹۴). «تأثير هوش اخلاقي و سلامت روان بر شادکامی دانشجویان»، پژوهش نامه روانشناسی مثبت، دوره ۱ (شماره ۴)، صص ۶۶-۵۵

حاجلو، نادر؛ غفاری، مظفر؛ مقور، منصور (۱۳۹۴). «بررسی هوش اخلاقي و اجتماعي با نگرش پرستاران نسبت به آموزش بیماران»، اخلاق و تاريخ پزشکی، دوره ۸ (شماره ۱۰)، صص ۷۹-۶۷

حسين چاري، مسعود؛ ذاکري، حميدرضا (۱۳۸۹). «تأثير زمينه‌هاي تحصيلی دانشگاهي، علوم ديني و هنري بر هوش معنوي؛ کوششي در راستای رواسازی و پايان‌سنجی مقياس هوش معنوي»، اندازه‌گیری تربيتي، دوره ۱ (شماره ۱)، صص ۹۴-۷۳

زهره، حدادی؛ قلتاش، عباس؛ صالحی، مسلم (۱۳۹۵). «هوش اخلاقي و جهت‌گیری خوش‌بينانه با اثربخشي دبيران زن»، زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)، دوره ۷ (شماره ۴)، صص ۱۲۷-۱۴۱

محمودي، اعظم؛ خاني، لطفعلي؛ غفاری، مظفر (۱۳۹۵). «بررسی همبستگي هوش اخلاقي و نوع دوستي با نگرش پرستاران به رعايت حقوق بیماران»، آموزش پرستاری، دوره ۵ (شماره ۲)، صص ۵۶-۴۹

منابع لاتين

Baling R (2012). "Surveyors Perspectives on Ethics in Organizational Culture.